

تحلیل نقش اجتماعی زنان در جوامع سلوکی و اشکانی بر اساس مطالعه مهرها و اثرمهرها

کمال‌الدین نیکنامی^۱، رضا قاسمی^{۲*}، رضوان رضائی^۳

چکیده

مطالعه نقوش موجود بر مهرها و اثرمهرها می‌تواند زوایای تاریکی از تاریخ اجتماعی دوران سلوکی و اشکانی را پدیدار کند. از سوی دیگر، تحلیل موقعیت‌های فردی و اجتماعی اشخاص یا گروه‌های اجتماعی به منظور درک روابط پیچیده آنان با افراد یا سایر گروه‌ها یا به منظور درک روابط برهم‌کنشی میان آنان جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات تاریخی به خود اختصاص داده است که از آن میان تحلیل موقعیت‌های زنان نیز توجه خاصی را به خود جلب کرده است. در مقاله پیش رو، تعداد ۵۳ مهر و اثرمهر با نقوش مختلف زنان از نقاط گوناگون سرزمین‌های سلوکی و اشکانی تبیین و تحلیل شده‌اند. تصاویر زنان روی آثار مذکور از نظر سبک و نقش‌مایه شیوه‌های متفاوت و ترکیبی دارند و شامل تصاویر الهه‌های یونانی، زنان در حال انجام‌دادن کارهای گوناگون و فعالیت‌های اجتماعی و روزمره بوده که از آن میان نقوش الهه‌های یونانی بیشتر موضوعات مهرها و اثرمهرهای این دوره را به خود اختصاص داده‌اند. نمونه‌های مطالعه‌شده از مراکزی چون اروک، تل کدش، سلوکیه کران دجله، نسا، شوش، و صالح داوود خوزستان به دست آمده‌اند. نوشتار حاضر ضمن تحلیل نقوش ذکرشده، به نحوه نقش‌آفرینی زنان در ساختارهای اداری، سیاسی، و اجتماعی سلوکیان و اشکانیان می‌پردازد. از مشهورترین نقش‌مایه‌های مهرها و اثرمهرها نیز باید به الهه‌های آفرودیت، تیکه، آتنا، و نیکه اشاره کرد. همچنین، باید اظهار داشت که استفاده از نقوش زنان در دوره سلوکی بیشتر رایج بوده و بر مهرهای دوره اشکانی، به غیر از سه مورد، به‌ندرت از تصویر زنان استفاده شده است.

کلیدواژگان

الهه‌های یونانی، دوره سلوکی و اشکانی، زن، مهر و اثرمهر، نقش‌مایه.

۱. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۹

niknami@ut.ac.ir

r.ghasemi.64@ut.ac.ir

مقدمه

در حدود چهار دهه از ورود مطالعات زنان به دانش باستان‌شناسی می‌گذرد. با توجه به این مطالعات، می‌توان اظهار داشت زنان در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف از نظر نظام‌های ارزشی نقش و جایگاه متفاوتی داشته‌اند و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان انتظار داشت که شرایط زنان در طول تاریخ یکسان و مشابه بوده باشد [۱، ص ۱۵]. در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران باستان نیز، جایگاه و منزلت زنان متفاوت بود. برای نمونه، جایگاه زنان در ادوار سلوکی و اشکانی به نسبت دیگر دوره‌ها کمتر شناخته شده و در سال‌های اخیر داده‌های باستان‌شناسی به کمک متون تاریخی در این مورد آمده‌اند. یکی از این داده‌ها مهرها و اثرمهرهای برجای‌مانده از دوران سلوکی و اشکانی‌اند که بر بیش از ۵۳ عدد از آن‌ها تصاویر زنان به چشم می‌خورد. مهرها اشیائی قابل حمل و نقل بوده‌اند و چون در مبادلات تجاری مورد استفاده قرار می‌گرفتند، باعث اشاعه فرهنگ و هنر به نقاط دیگر می‌شدند. با توجه به اهمیت مهرها در به تصویر کشیدن اعتقادات و آداب و رسوم مردم، متأسفانه پژوهش و مطالعه در زمینه شناخت مفاهیم نقوش به‌کاررفته و کاربرد آن‌ها در هنر، جامعه، و نیز فرهنگ مردم ایران باستان کمتر صورت گرفته است. مطالعات انجام‌گرفته نیز مختصر و ناچیز بوده و فقط به بررسی اجمالی و در حد معرفی اثر و توصیف نقش‌مایه‌ها اکتفا شده و به‌ندرت به معنا و مفهوم نقوش مهرها توجه شده است [۹، ص ۱۶۲]. اما در ادوار سلوکی و اشکانی بیشتر نقش‌مایه‌های مذکور شامل نیم‌تنه‌های زنان، نیم‌رخ سروصورت و الهه‌های یونانی می‌شود و از محوطه‌هایی چون کدش فلسطین اشغالی، اروک، سلوکیه کران دجله، نیپور، نسا، و شوش به دست آمده‌اند [۶، ص ۴۱۱]. بررسی موقعیت زنان در دوران سلوکی و اشکانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا با توجه به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، نقش‌مایه‌های زنان نیز بر مهرها و اثرمهرها بیشتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر حضور زنان بر تصاویر مهرها و اثرمهرهای این ادوار حاکی از ارزش و احترام آنان است و این امر شاید به دلیل نفوذ فرهنگ یونانی در هنر دوران مذکور بوده باشد، زیرا نقش زن در هنر دوران هخامنشی به‌ندرت به چشم می‌خورد [۴، ص ۴۲]. به نظر می‌رسد این جایگاه نمونه زنان در دیگر ادوار تاریخی ایران کمتر دیده می‌شود. نقش‌آفرینی برخی از زنان در دوره اشکانی به‌حدی پررنگ می‌شود که ملکه موزا در زمان حکومت فرهاد پنجم در امور مملکتی اعمال نظر کرده و حتی نقش وی بر سکه‌های این شاه حک شده است [۱، ص ۱۴۹]. شاید بتوان هم‌جواری با رومیان را به‌منزله یکی از عوامل مهم این امر ذکر کرد. با وجود این، سطح آگاهی ما از وضعیت عامه زنان جامعه، نه زنان دربار دوران سلوکی و اشکانی، بسیار اندک است. پژوهش در تصاویر زنان در هنر مهرسازی این ادوار می‌تواند تا حدودی راهگشای این مشکل شود، زیرا تصاویر یادشده بازتابی از اندیشه و سفارش صاحبان مهرها بوده و حضور زنان بر مهرها و اثرمهرها می‌تواند بیانگر نقش زن در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. مسئله

اصلی در مقاله حاضر تفسیر و تبیین نقوش زن و ارتباط آن‌ها با جایگاه و نوع فعالیت‌هایشان در جامعه است. محور دیگر این پژوهش، استناد به تصاویر زنان نقش‌شده بر مهرها و اثرمهرها و مقایسه آن‌ها با دیگر محوطه‌های مشابه است. در این پژوهش، سؤالاتی نیز پیش روی ما قرار دارند که یکی از این پرسش‌های مهم درباره حق داشتن و استفاده زنان ادوار سلوکی و اشکانی است. این مقاله همچنین به تفاوت جایگاه زنان در دو حکومت سلوکیان و اشکانیان در مراکز و شهرهای مختلف می‌پردازد. روش تحقیق پژوهش حاضر نیز بر پایه بررسی داده‌های باستانی حاصل از کاوش‌ها، استناد به نوشته‌های تاریخ‌نگاران، و مطالعات کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق

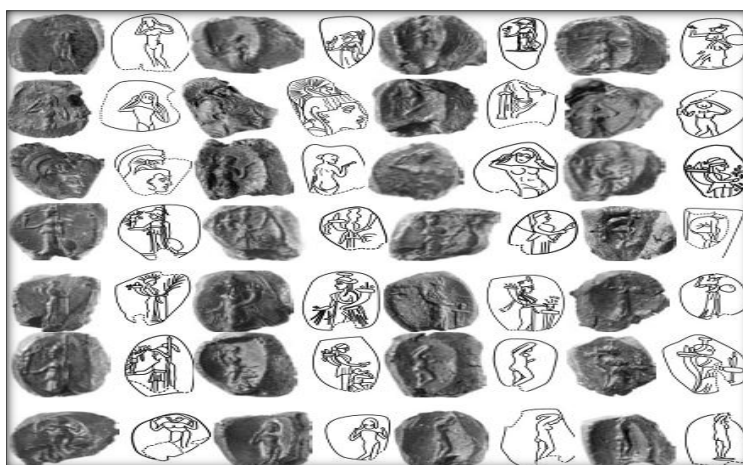
نقش زنان در جامعه ادوار سلوکی و اشکانی چندان مورد توجه قرار نگرفته و ویژگی‌های اجتماعی زنان در جامعه این دوران، نسبت به دیگر دوره‌های تاریخی مانند ادوار هخامنشی و ساسانی، به‌طور محسوسی ناشناخته است. از طرفی، به علت کمبود منابع و داده‌های خام مهرشناسی، تعداد انگشت‌شماری مقاله و کتاب در این زمینه منتشر شده است. علاوه بر این، بررسی و اشاره به نقش زنان براساس مطالعه نقش‌مایه‌های آنان بر مهرهای برجای‌مانده اندک بوده، اما از کسانی که در زمینه فعالیت‌های اجتماعی زنان در ادوار سلوکی و اشکانی مطالبی را منتشر کرده‌اند می‌توان به کالج (۱۳۵۶)، بروسیوس (۱۳۹۲)، رحیمی‌فر (۱۳۸۴)، مسینا (۲۰۰۶)، والنفلز (۱۹۹۸)، هربرت (۲۰۰۵) و اینورنیزی^۱ (۱۹۹۴) اشاره کرد. متأسفانه تا به امروز پژوهش منسجم و فراگیری در این زمینه صورت نگرفته و فقط با ارائه کاتالوگ‌های مختصر و محدود یا گونه‌شناسی این نمونه‌های ارزشمند، سعی بر معرفی و توصیف فعالیت‌های زنان شده است. شایان ذکر است که اغلب مقالات و کتاب‌های یادشده متعلق به محققان اروپایی و آمریکایی است و بین آن‌ها کمتر نامی از پژوهشگران ایرانی به چشم می‌خورد.

انواع نقوش زنان بر مهرها و اثرمهرهای سلوکی-اشکانی

در مقاله پیش رو، تعداد ۵۳ تصویر از زنان نقش‌شده بر مهرها و اثرمهرهای سلوکی و اشکانی گردآوری و بررسی می‌شود. این نمونه‌ها از محوطه‌های مختلفی چون میانرودان (اروک، سلوکیه دجله و نیپور)، شمال شرق ایران (نسا)، جنوب غرب ایران (شوش و صالح داوود خوزستان)، و ناحیه فلسطین اشغالی به‌دست آمده‌اند. هرچند با توجه به تعداد اندکی از مهرها و آثار بر جای مانده از آن‌ها نمی‌توان به درک کاملی از وضعیت اجتماعی زنان در ادوار سلوکی و اشکانی دست یافت، همین تعداد اندک نیز به علت تنوع نقش‌مایه و کشف آن‌ها از مناطق گوناگون

1. Invernizzi

سرزمین‌های امپراتوری سلوکی و اشکانی، به روند روشن شدن زوایای تاریک فعالیت زنان در دوران مذکور کمک شایانی می‌کند. روی مهرها و اثرمهرها تصاویر زن به اشکال مختلفی از جمله زنان ایستاده و نشسته، نیم‌تنه‌ها و نیمرخ سروصورت و در حال حمل اشیا و الهه‌های یونانی چون نیکه (الهه پیروزی)، تیکه (تیخه)، آفرودیت، و آتنا دیده می‌شود [۱۱، ص ۴۳]. به صورت دقیق‌تر، ۴۴ مهر و اثرمهر شامل تصاویر الهه‌های یونانی و ۹ نمونه دیگر نیز شامل نقوش زنان در حالت‌های گوناگون می‌شود. بیشترین اثرمهر با نقوش الهه‌ها و ایزدان بانوی زن یونانی از محوطه سلوکی کدش در دره یزرعیل فلسطین اشغالی به دست آمده که دربردارنده سه الهه آتنا، آفرودیت، و تیکه است (شکل ۱).



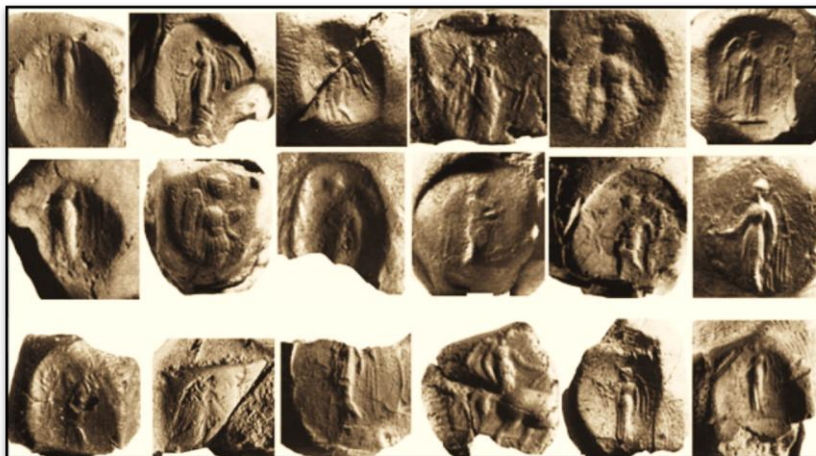
شکل ۱. اثرمهرهای سلوکی کدش با نقش مایه الهه‌های یونانی [۱۵]

اثرمهرهای یادشده همگی از بایگانی‌های دولتی و در کنار اسناد تجاری و مالیاتی به دست آمد [۱۴]. این اثرمهرها متعلق به سده دوم و سوم پ.م بوده و بازتاب‌دهنده ابعاد فرهنگی ساکنان کدش است و از لحاظ پیکره‌نگاری و نقش‌مایه‌ها نیز نقوش اثرمهرها بسیار بااهمیت‌اند [۶۹، ص ۱۵]. الهه آتنا، خدای خرد، و جنگ یونانیان در کدش ۱۰ درصد اثرمهرهای را به خود اختصاص داده است [۳۰، ص ۱۲]. تصویر این الهه بر سکه‌ها و مجسمه‌های دوران هلنی بسیار حک شده است [۱۵، ص ۷۰]. در محوطه سلوکیه دجله نیز، اثرمهرهای مشابهی از این الهه به دست آمده که در مجموع ۱۷ درصد از نقش‌مایه‌های بایگانی سلوکیه دجله را به خود اختصاص می‌دهد و مشهورترین خدای شهر سلوکیه است [همان]. از محوطه صالح داوود خوزستان نیز دکتر مهدی رهبر مهری با نقش آتنا کشف کرده که این الهه را به صورت نیمرخ متمایل به چپ خود و از قسمت سر و گردن نشان

می‌دهد. با توجه به ریزه‌کاری‌ها و تناسبات به‌کاررفته در این نقش می‌توان دریافت که اثر مذکور ساخته دست هنرمندی یونانی است [۸، ص ۳۰۶].

دیگر الهه نقش شده بر اثرمهرهای دوره سلوکی آفرودیت، ایزدبانوی عشق و تمایلات جنسی، است و با توجه به ازدیاد نقوش این الهه در محوطه تل کدش می‌توان به جایگاه متفاوت زیبایی و تمایلات جنسی زنان در دوره سلوکی پی برد [۱۲، ص ۱۱]. نقش‌مایه‌های متفاوت الهه آفرودیت ۱۱ درصد از تصاویر اثرمهرهای کدش را به خود اختصاص داده است. الهه عشق و زیبایی در هنر و جامعه هلنی متمایز از دیگر خدایان است و علت این امر برهنگی و عریان بودن این الهه است [۱۵، ص ۷۲]. با مشاهده الهه‌های عریان آفرودیت بر اثرمهرها می‌توان آن‌ها را با دوره روسپی‌گری و بردگی زنان در ارتباط دانست. شاید بتوان وفور الهه‌های گوناگون آفرودیت چون آنادیومن^۱، کینیدیا^۲، و تراکوتاس را دلیل این امر دانست. تصویر تراکوتاس، الهه فانی و برهنه، درحالی که دست و بازوهای خود را به سمت سرش کشیده است، روی اثرمهرهای کدش دیده می‌شود. یکی از ویژگی‌های برجسته اثرمهرهای به‌دست‌آمده از محوطه کدش اجرا و نمایش تصاویر کمیاب هنری برخی از نقش‌مایه‌هاست که در آن هنرمند به‌خوبی وضعیت اجتماعی را مشاهده و سپس تصویر کرده است؛ به‌طوری‌که با مشاهده تصاویر الهه کینیدیا می‌توان به نکات مربوط به اندرولوژی (دوجنسیتی‌بودن) برخی از زنان در جامعه سلوکی کدش پی‌برد. برخی از اثرمهرهای کدش نیز الهه آفرودیت آنادیومن را در حال استحمام نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد هدف از ترسیم این الهه، به صورت عریان، و تأکید بر اندام جنسی وی نظر شارون هربرت را تأیید کند. براساس نظریه وی، هنرمندان دوره سلوکی یکی از چهره‌های طبیعی و زنده زنان کدش را ترسیم کرده و آن را با چهره الهه آنادیومن مقایسه کرده‌اند [۱۵، ص ۷۳]. از جمله الهه‌های دیگر، که بر اثرمهرهای دوره سلوکی نقش شده‌اند، می‌توان تیکه (تیخه) را نام برد. تیکه ایزدبانوی شانس، اقبال، فراوانی، و تقدیر خدایی است که از دوره هلنی بر اهمیت آن افزوده شده و هر شهر تیکه مخصوص به خود داشته است [۳، ص ۹۳۰]. از ویژگی‌های مهم وی تاج و شاخ فراوانی است که بر اثرمهرهای کدش نیز دیده می‌شود [۱۲، ص ۱۲۷]. حضور این الهه در فرهنگ هلنی و مراکز آن بسیار گسترده بود. علاوه بر سکه‌های یونانی، رومی، و سلوکی، حضور وی در ۵۰ مرکز هلنی دیگر ثبت شده است [۱۵، ص ۷۷]. تیکه مظهر الهه شخصی شاهان سلوکی نیز به‌شمار می‌رفت. بر سکه‌های آنتیوخوس هشتم و دمیتریوس اول تصاویر این الهه حک شده است. از منطقه کالیپیگوس نقوش سنگی و مجسمه‌هایی شبیه به نمونه‌های کدش به دست آمده‌اند که یک زن را در حال مدیریت و کنترل گروهی دیگر از زنان نشان می‌دهند و آن‌ها لباس‌هایی زیبا و فاخر بر تن دارند [۱۵، ص ۸۲]. از بایگانی اداری سلوکی شهر سلوکیه کران دجله نیز اثرمهرهای زیادی با نقش الهه نیکه (پیروزی) به دست آمده است [۱۶، ص ۲۰] (شکل ۲).

1. Anadyomene
2. Kinidia



شکل ۲. اثرمهرهای بایگانی شهر سلوکیه کران دجله با نقش مایه الهه نیکه [۱۶]

نیکه تجسم پیروزی بوده و او را معمولاً با بال و درحالی که با سرعت زیادی در حال پرواز است تصویر می‌کردند [۳، ص ۶۲۲]. تصویر نیکه، علاوه بر مهرها و اثرمهرها، بر سکه‌های دوران سلوکی و اشکانی نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، می‌توان از سکه‌های آندراگوراس، ساتراپ پارسی ایالت پارت، یاد کرد که نیکه را سوار بر ارابه نشان می‌دهد. همچنین، بر پشت سکه‌های اکثر شاهان سلوکی تصاویر ایستاده الهه نیکه، که شباهت زیادی به اثرمهرهای سلوکیه دارند، به چشم می‌خورد [۱۶، ص ۲۰]. اثرمهری از الهه نیکه نیز از اروک به دست آمده که شباهت بسیاری زیادی به نمونه‌های سلوکیه دارد [۱۶، ص ۲۱]. از محوطه نسا نیز از الهه نیکه اثرمهری به دست آمده که متعلق به دوره اشکانی بوده و حاکی از نفوذ فرهنگ یونانی و هلنی در این شهر است [۴، ص ۲۰].



شکل ۳. الهه نیکه بر مهر اشکانی شهر نسا [۲۰]

علاوه بر نقش مایه الهه‌های یونانی بر مهرها و اثرمهرها می‌توان از نقوش بانوی در حال اهدای گل به صورت زانوزده، زنی در حالت ایستاده در حال اهدای شاخه گل، زن نشسته و در حال دوشیدن حیوان، و زنی ایستاده و در حال راه رفتن اشاره کرد.



شکل ۴. مهرهای سلوکی و اشکانی با نقش زن [نگارندگان]

همچنین، از محوطه اروک اثرمهرهایی با تصاویر زنان در حال راه رفتن و حمل اشیا و نیمرخ‌های صورت آنان به دست آمده است [۱۸]. حالت آرایش چهره این زنان بسیار ساده بوده و موهای آن‌ها پشت سرشان جمع شده است. با توجه به پیداشدن اثرمهرهای مذکور از بایگانی‌های اداری اروک و ترجمه متون یونانی الواحی، که اثرمهرها بر آن‌ها حک شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت مهرها توسط گروهی از زنان مالکیت و کنترل می‌شدند که نماینده مذهبی محسوب می‌شدند [۱۹، ص ۱۱۸]. شاید بتوان این امر را نمایانگر حضور پررنگ زنان در مناصب حکومتی و اداری دولت سلوکی دانست. البته این امر با توجه به فرهنگ یونانی سلوکیان و ساکنان اروک عجیب به نظر می‌رسد، زیرا مطابق با قوانین یونانی زنان اجازه داشتن شغلی که درآمد زیادی داشته باشد نداشتند و در جامعه از نفوذ اندک و ناچیزی برخوردار بودند [۷، ص ۶۵]. از حفاری‌های باروی اشکانی شهر نیپور نیز اثرمهری با نقش زن ایستاده به شیوه هلنی (تکیه بر یک پا) به دست آمده که عریان به نظر می‌رسد. البته با وجود ازدیاد و کثرت اثرمهرهای به دست آمده از شهر نیپور، باز هم تفاوت نگاه جامعه سلوکی و اشکانی به زنان مشخص می‌شود. این در حالی است که در محوطه‌های کدش و سلوکیه تصاویر زنان به وفور یافت می‌شود [۱۳، ص ۲۴] (شکل ۵). به طور کلی، در میان آثار به دست آمده از شهر اشکانی نیپور از یک سو پیوندهای محلی با فرهنگ بین‌النهرین و هخامنشی و از سوی دیگر موتیف‌های هلنی مشاهده می‌شوند. برخی اثرمهرها نیز قابل مقایسه با نمونه‌های آسیای مرکزی و قومن‌اند، اما

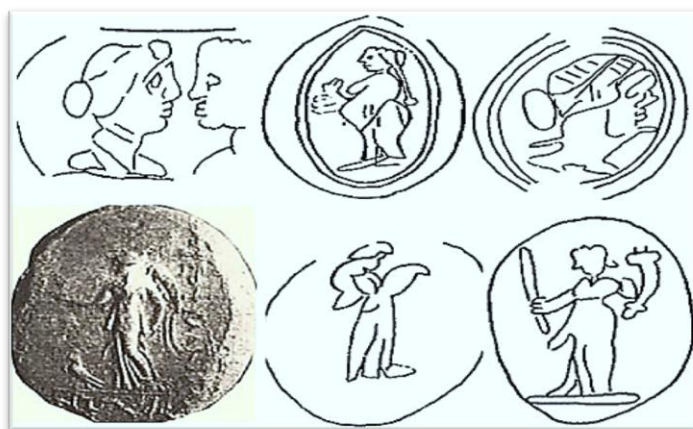
موتیف‌های هلنی این مجموعه قابل مقایسه با اثرمهرهای اروک و سلوکیه و حتی کدش‌اند. اما از حضور زنان روی آن‌ها اثری دیده نمی‌شود که این امر با توجه به اثرمهرهای دیگر محوطه‌های اشکانی چندان عجیب به نظر نمی‌رسد.



شکل ۵. اثرمهر اشکانی از شهر اشکانی نیپور [۱۳]

سیمای زنان در جامعه سلوکی براساس مهرها و اثرمهرها

با وجود مطالب زیادی که در ارتباط با تاریخ، فرهنگ، و هنر دوره سلوکی منتشر شده، جایگاه زنان و سیمای آنان در هنر و تاریخ این دوره تقریباً ناشناخته است. از این‌رو، استناد به نقش اجتماعی و جایگاه زنان در جامعه سلوکی براساس تصاویر آن‌ها بر مهرها و اثرمهرها بسیار دشوار به نظر می‌رسد، اما با توجه به نقوش اثرمهرها و الواح بایگانی اداری شهرهای اروک، کدش، و سلوکیه می‌توان جایگاه والا و آزادی نسبتاً زیادی را برای زنان متصور شد. اثرمهرهای اداری، که دارای نقش زنان عادی‌اند، به احتمال زیاد متعلق به زنان مسئول در امور مالیاتی از جانب دولت سلوکی بوده و همین امر گواه دخالت و حضور زنان در امور مهم مملکتی است (شکل ۶). الهه‌ها و ایزدان بانوی مؤنث خود معرف نقش مهم زنان در جامعه دوره سلوکی است. از سوی دیگر، برخی از الهه‌ها در شهرهای سلوکی با توجه به بافت و ترکیب جمعیتی از محبوبیت بیشتری برخوردارند. برای نمونه، مشاهده انواع الهه‌های آفرودیت در بایگانی شهر کدش سؤال‌برانگیز است. نمونه‌های کاملاً مشابهی از این اثرمهرها از محوطه رومی زوگما در آسیای صغیر به دست آمده که به احتمال زیاد ارتباط تجاری و فرهنگی میان دو شهر را اثبات می‌کند [۱۷].



شکل ۶. اثرمهرهای سلوکی شهر اروک با نقوش گوناگون زنان [۱۸]

وفور نقش خدایان و الهه‌های یونانی نیز خود مبحث جداگانه‌ای دارد، زیرا علاوه بر الهه‌های مونث چون تیکه، نیکه، آتنا، و آفرودیت، خدایان مذکری چون آپولو، زئوس، و هرمس نیز در کنار الهه‌ها به چشم می‌خورند، اما تعداد آن‌ها بسیار اندک است. این گرایش معنادار به سمت عریان بودن الهه‌ها در کدش مبحث توجه به اندام جنسی زنان و تأکید بر آن‌ها را پیش می‌کشد. شارون هربرت، کاوشگر کدش، اعتقاد به دوجنسی بودن این تصاویر و مسئله‌اندرولولوژی دارد [۱۴، ص ۲۲]. اما در محوطه سلوکیه دجله، آتنا و تیکه با ظاهری موقر و لباسی پوشیده تا زانو به همراه کلاه و تاج به چشم می‌خورند. این امر شاید مبین تفاوت نگاه مردمان دو جامعه کدش و سلوکیه نسبت به یکدیگر باشد. اما موضوع پیچیده‌تر این است که هر دو مجموعه بایگانی‌های اثرمهر از نوع اداری و دولتی دارند. از این منظر، شاید بتوان نظریه استقلال اداری و اقتصادی شهرهای سلوکی را مطرح کرد. البته شواهدی از مبارزه و قیام مردم کدش و سلوکیه با حکومت مرکزی در دست است [۱۵، ص ۶۶]. ذکر این نکته نیز ضروری است که روی همه اثرمهرهای سلوکی نیز زنان بدون پوشش و حجاب دیده می‌شوند.

جایگاه زنان در دوره اشکانی

روی مهرها و اثرمهرهای دوره اشکانی نقش مایه زن کمتر به چشم می‌خورد؛ به طوری که از میان نزدیک به ۱۰۰ مهر و اثرمهر به دست آمده از این دوره فقط ۳ نقش زن وجود دارد [۱۱]. به نظر می‌رسد در این دوره نمایش تصویر زنان بر مهرها کمتر رایج بوده و این امر برخلاف دوره سلوکی است، زیرا در محوطه‌های سلوکی اثرمهرهای زیادی با تصاویر مختلف زنان کشف شده است. از تعداد سه تصویر به دست آمده نیز، دو نمونه متعلق به الهه نیکه و آتنا هستند و فقط یک نقش مایه از شهر نیپور زنی برهنه، درحالی که دستانش را به سمت راست خود دراز کرده، دیده می‌شود. البته به نظر

می‌رسد تصاویر زنان در حالت کارهای روزمره، که در دوره هخامنشی روی مهرها دیده می‌شود، در دوران سلوکی و اشکانی جای خود را به الهه‌های یونانی داده‌اند، زیرا بیش از ۹۰ درصد از نقوش زنان روی مهرها شامل الهه‌ها می‌شود. با توجه به متون تاریخی نیز آن چنان که باید نمی‌توان درباره نقش زنان در فعالیت‌های روزمره و اجتماعی در دوره اشکانی اظهار نظر کرد، زیرا اغلب در این متون از زنان دربار و اشراف سخن به میان آمده است. در کنار مهرها، متون میخی بابلی، اسناد یونانی، و اورامان در کردستان و منابع رومی به برجستگی مقام همسران شاهان اشکانی، به‌ویژه زن و مادر شاه، گواهی داده‌اند. باین‌حال، اشارات اینان فقط به ذکر کوتاهی از وجود آنان اکتفا کرده‌اند و درباره بازسازی تصویری از جایگاه آن‌ها در میان عموم، فعالیت‌ها، و میزان توانایی و اختیار عملشان در داخل و خارج دربار اظهار نظر کرد. یافته‌های باستان‌شناسانه از جمله سکه‌ها اندک است و فقط می‌توان با توجه به یافته‌های دوراوپوس و الحضر چنین حدس زد که زنان بلندمرتبه اشکانی مقام رسمی قابل توجهی در دربار داشتند [۱، ص ۱۴۵]. حضور زنان شاهی در اسناد رسمی دربار تأثیر سنت سلوکیان را باز می‌نمایند، زیرا نزد آنان است که به اسامی همسران شاه در احکام رسمی و مکاتبات درباری برمی‌خوریم [۱، ص ۱۴۶]. با وجود این، به نظر می‌رسد جایگاه زنان درباری به‌ویژه زنان شاه، از قبیل شاه معنا پیدا می‌کرد، زیرا شکوه و شمار فرزندان و حضور آنان میان عامه، همه بیانگر اقتدار شاه بود [۱، ص ۱۴۹]. از اسناد قانونی دوراوپوس چنین برمی‌آید که بیشتر زنان بی‌سواد بودند. زنان سامی با آنکه در مجامع دینی نیمی از روی خود را آشکار می‌کردند، معمولاً رویی پوشیده و حجاب داشتند [۲، ص ۱۰۳]. البته با توجه به آمیختگی جمعیت ایرانی و یونانی در برخی از مناطق پوشش‌ها متفاوت است. برای نمونه می‌توان از تندیس نیمه‌برهنه الهه‌های یونانی و الهه‌های تمام‌قد از همین الهه، که از کاخ اشکانی نسا به‌دست آمده‌اند و تفاوت دو فرهنگ یونانی و ایرانی را در نگاه به زن نشان می‌دهند، یاد کرد [۵، ص ۱۴۹] (شکل ۷).



شکل ۷. تندیس‌های زنان از محوطه نسا [۴]

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش و مطالعه نقش‌مایه زن بر مهرها و اثرمهرها می‌توان حضور زنان را فعالیت‌های اجتماعی در ادوار سلوکی و اشکانی متفاوت دانست. از مجموع ۵۳ نقش‌مایه زن روی مهرها و اثرمهرها ۵۰ مورد متعلق به دوره سلوکی و فقط ۳ مورد مربوط به دوره اشکانی است. بدین ترتیب، استفاده از نقش‌مایه زن بر مهرها و اثرمهرهای دوره سلوکی به نسبت اشکانیان رواج بیشتری داشته و حاکی از جایگاه مهم‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی و هنری دوره یادشده است. با توجه به ازدیاد نقوش الهه‌های یونانی و رواج فرهنگ هلنی در برخی از مناطق، مانند کدش و سلوکیه، و همچنین کشف اثرمهرها از بایگانی‌های دولتی سلوکیان می‌توان به این نتیجه دست یافت که زنان در سلسله‌مراتب اداری نقش بسزایی داشته و به‌عنوان مأمور مالیاتی از جانب دولت مرکزی بر روند اخذ مالیات از شهرهایی چون اروک نظارت داشته‌اند. هرچند اثبات این امر دشوار به نظر می‌رسد، دلایلی در این زمینه وجود دارند که شاید بتوان با استناد به آن‌ها تصویری روشن‌تر از جایگاه زنان در جامعه ادوار سلوکی و اشکانی ارائه کرد. نخستین دلیل ما گفته‌های دومنیک کولون راجع به نقوش مهرهاست که براساس آن تصاویر یادشده بازتابی از اندیشه و سفارش صاحبان مهرها بوده و حضور زنان بر مهرها و اثرمهرها می‌تواند بیانگر نقش‌آفرینی زن در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. مطابق با نظریه دیگر از والنفس، کاوشگر شهر اروک، بررسی موقعیت زنان در دوران سلوکی و اشکانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا، با توجه به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، نقش‌مایه‌های زنان نیز روی مهرها و اثرمهرها بیشتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، حضور زنان بر تصاویر مهرها و اثرمهرهای این ادوار حاکی از ارزش و احترام آنان است و این امر شاید به دلیل نفوذ فرهنگ یونانی در هنر دوران یادشده بوده باشد، زیرا نقش زن در هنر دوران هخامنشی به نسبت دوره سلوکی کمتر به چشم می‌خورد. نکته دیگر در این رابطه پست‌ها و مقام‌های اداری و دولتی زنان در بایگانی‌ها و کتیبه‌های میخی به‌دست‌آمده از اروک است. نظریه دیگر در اثبات ارتباط نقش‌مایه زنان بر مهرها با کاهش و افزایش فعالیت‌ها و حضور آنان در عرصه‌های روزمره اجتماعی سلوکیان و اشکانیان را شارون هربرت بیان کرده است. به نظر او، فراوانی نقوش الهه آفرودیت، به‌ویژه آنادیومن، دلیل بر افزایش جایگاه زنان بوده که در برخی از موارد از آن‌ها به صورت زنده مدل‌گیری شده و بیشترین نقوش به‌دست‌آمده از کدش به این نقش‌مایه اختصاص دارد؛ اگرچه برخی از این تصاویر بار مذهبی دارند. با این تفاسیر، می‌توان اظهار داشت که دلایل مذکور در مجموع می‌توانند بیانگر چگونگی نقش‌آفرینی زنان در جوامع دوران سلوکی و اشکانی باشند. در میان تصاویر نقش‌بسته بر مهرها و اثرمهرها، بیشتر به الهه‌های یونانی چون آتنا، آفرودیت، و تیکه بر می‌خوریم و تصاویر زنان در حالت انجام‌دادن کارهای روزمره و مشارکت در امور اجتماعی کمتر مشاهده می‌شود و فقط در محوطه‌های اروک

و نیپور اثرمهرها چنین مضامینی دارند. از سوی دیگر، می‌توان اظهار داشت فراوانی نقوش برخی از الهه‌ها روی اثرمهرهای تعدادی از شهرها مانند کدش و سلوکیه حکایت از تفاوت فرهنگی دو جامعه نسبت به یکدیگر دارد. با اینکه هر دو شهر فرهنگ هلنی داشتند و تحت حاکمیت دولت سلوکی بودند، در شهر کدش الهه آفرودیت از محبوبیت بیشتری برخوردار است و بر اندام جسمانی وی تأکید فراوانی می‌شود. برخلاف دوره سلوکی، در مهرها و اثرمهرهای دوره اشکانی از نقش زن به‌ندرت استفاده شده و فقط سه اثرمهر با نقوش آتنا، نیکه، و زنی عریان در حال راه رفتن به دست آمده که کمک شایان ذکری به بحث ما نمی‌کند. البته نقوش زنان در هنر حجاری و نقاشی اشکانیان به‌وفور دیده می‌شود و گمان می‌رود زنان دوره اشکانی از داشتن مهر مخصوص به خود و مقامی اداری، مانند آنچه در دوره سلوکی ذکر شده، محروم بوده‌اند. بیشتر تصاویر زنان روی مهرها و اثرمهرها که در ارتباط با مفاهیم مذهبی‌اند، نقوش الهه‌ها را نشان می‌دهند. اما این امکان نیز وجود دارد که مراد از این تصاویر نمادهای زمینی آنان باشد. در مجموع، با توجه به نقوش مهرها و اثرمهرهای سلوکی و اشکانی بررسی شده در این مقاله، می‌توان اطلاعات سودمندی را درباره جایگاه زنان در جامعه و ایفای نقش آنان در فعالیت‌های اجتماعی ارائه کرد. هرچند این اطلاعات اندک است، در روشن کردن بخشی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی ادوار مذکور راهگشا خواهند بود.

منابع

- [۱] بروسیوس، ماریا (۱۳۹۲). *ایران باستان هخامنشیان اشکانیان ساسانیان*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی.
- [۲] کالج، مالکوم (۱۳۵۶). *پارتیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سحر.
- [۳] گریمال، پیر (۱۳۷۸). *فرهنگ اساطیر روم و یونان*، ج اول، ترجمه احمد بهمنش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۴] گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). *هنر ایران در دوره پارتی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۵] رجبی، پرویز (۱۳۸۵). *تاریخ ایران در دوره سلوکیان و اشکانیان*، تهران: پیام نور.
- [۶] قاسمی، رضا (۱۳۹۲). «مطالعه و گونه‌شناسی مهرها و اثرمهرهای دوران سلوکی-اشکانی موزه ملی ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، دانشگاه تهران، ص ۴۱۱-۴۱۸.
- [۷] رحیمی‌فر، محسن (۱۳۸۴). «بررسی جایگاه زن در عهد باستان»، *تاریخ‌پژوهی*، س ۷، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۷۷-۵۵.
- [۸] رهبر، مهدی (۱۳۹۱). «آرامگاه زیرزمینی الیمایی در صالح داوود»، *نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش*، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: ایران نگار، ص ۳۱۵-۲۸۹.

- [۹] مصباح اردکانی، نصرت‌الملوک؛ دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۷). «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران»، پژوهش زنان، دوره ۶، ش ۳، ص ۱۶۱-۱۸۲.
- [۱۰] نیکنامی، کمال‌الدین؛ سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ مریم دژم‌خوی (۱۳۸۹). «درآمدی بر تاریخچه مطالعات زن در باستان‌شناسی»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۳، ص ۵-۱۷.
- [۱۱] قاسمی، رضا (۱۳۹۳). «مطالعه تحلیلی نقوش مهرها و اثرمهرهای دوران سلوکی و اشکانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- [12] Bollati, A., and Messina, V., (2004). Seleucia al Tigri. Le impronte di sigillo dagli archivi, Vol. 2: pp 40-52.
- [13] Gibson, M. C., (1994). Parthian seal style: a contributor from Nippur, Mesopotamia, 29: pp 89-105.
- [14] Herbert, S.C., and Brelin, A., (2003). A new administrative center for Persian and Hellenistic galilee: preliminary report of the University of Michigan \University of Minnesota excavations at Kedesh, Bulletin of the American Schools of Oriental Research: 15: pp 13- 59.
- [15] Herbert, S.C., (2005). The Hellenistic archives from Tel Kedesh (Israel) and Seleucia-on-the Tigris (Iraq). Bulletin of the University of Michigan Museums of Art and Archaeology, 15: pp 65-86.
- [16] Messina, V. (2006). Nike on the clay sealings from Seleucia on the Tigris, Pisa, Parthica, Vol: 8: pp10-27.
- [17] Onal, M., (2007). Deities and cultures meet on the seal impressions in Zeugma, Roma, Vol. Speciale, pp 25-50.
- [18] Wallenfels, R., (1990). Sealed cuneiform tablets from Hellenistic Uruk: an iconographic and prosopographic analysis of the private business documents, Columbia University.
- [19] Wallenfels, R. (1993). Private seals and sealing practices at Hellenistic Uruk, BCH, 29: pp 113-132.